

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

نوب شدن جنبه‌های انتزاعی آرزومندی‌ها در مقابل چشمان ما تقابل ژئوپولیتیک و مؤثریت آن بر اوضاع داخلی کشور خطر تبدیل شدن افغانستان به عرصه تقابل و رویارویی‌ها

چگونگی بررسی مبدای قضایا و واقعیت‌های غیرقابل انکار جامعه افغانی
فراخواندن بخشی از نظامیان و کنار گذاشتن قوت‌های رزمی و جنگی
آیا تأمین صلح سراسری در کشور سرابی بیش نخواهد بود؟
رویای دست نیافتنی زندگی صلح‌آمیز در کشور عزیز ما

انتزاعی و انضمامی، دو مفهوم متقابل در فلسفه هستند. امور انتزاعی، فرا زمانی و فرامکانی هستند مثل اعداد یا موجودات مجرد، اما امور انضمامی، امور زمانی و مکانی هستند. انتزاعی در اصل به معنای امر جدا شده، گسسته و مجرد و انضمامی حاوی معانی پیوستگی، گردش آمدن و چسبندگی است. ذهن پس از آنکه چند چیز مشابه را درک کرد، آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کند. اوصافی را مخصوص بهریک آنهاست، کنار گذاشته و وجه تشابه و صفت مشترک میان آنها را بر می‌گزیند. سپس از آن صفات مشترک، یک مفهوم کلی می‌سازد که در باره همه افراد صادق است. در این هنگام گفته می‌شود کاین مفهوم، از این چیزها انتزاع شده و مفهومیست انتزاعی. بگونه خلاصه، انتزاع، یک فعالیت و عمل ذهنی است که عقل توسط آن، مفهومی را از عالم خارج در می‌یابد و خود این مفهوم، انتزاعی نامیده می‌شود. بهمین ترتیب و بر بنیاد آنچه گفته آمد، درمی‌یابیم که انتزاعی (یعنی انتزاع شده) همین مفهوم کلی است که از مصادیق خارجی انتزاع شده است. مثلاً مفاهیم انسانیت یا حیوان مفاهیم انتزاعی اند. مفاهیم انتزاعی در خارج وجود ندارند، یعنی نمی‌توان انسانیت را در خارج نشان داد، بلکه ذهن این مفاهیم را در ضمن موجودات به طریقی که گفته شد، درمی‌یابد. در نهایت، انتزاع، یک فعالیت و عمل ذهنی است که عقل توسط آن، مفهومی را از عالم خارج در می‌یابد و خود این مفهوم، انتزاعی نامیده می‌شود.

"نیروها باید فرا خوانده شده و اما عده ای از آنها باید کنار گذاشته شوند." بگمان اغلب که خواننده با مطالعه جمله مبهم اینچینی، احساس سردرگمی خواهد نمود. چگونه می‌توان عده ای از نظامیان را فرا خواند و شمار دیگری را در اراضی و سرزمین کشور بیگانه، همچنان نگهداشت؟ آیا در واقعیت، امر فوق، بگونه واقعی آن امکان پذیر می‌باشد؟ چنین بنظر می‌رسد که در نظر گرفته شده تا واحدهای جنگی و رزمی را فرا خوانده و در عوض، بخش‌های تدارکاتی، استخباراتی، زیرمجموعه‌های ضد تروریستی و پولیس نظامی را بجا بگذارند. نباید فراموش نمود که این واقعیت برای بارک اوباما کاملن واضح و روشن بود که درگیری‌های مسلحانه در اراضی افغانستان، طبق دلخواه ایالات متحده به "نتیجه نرسید". اما بسیاری‌ها این واقعیت را فراموش نموده اند که نامبرده، قوت‌های نظامی و جنگی کشورش را از محلات و مناطق بشدت خطرناک، کنار کشیده و بدون راه اندازی تبلیغات کرکننده و بدون سروصدا در مورد کاهش نظامیان کشورش در افغانستان با اقداماتی متوسل گردید.

دونالد ترامپ که پس از بارک اوباما در رأس اداره و اشنگتن قرار گرفت، نیز واقعیت متذکره را درک نمود. نا مبرده نیز در نظر داشت به جنگ و درگیری‌های مسلحانه در اراضی کشور ما نقطه پایان بگذارد. اما انگیزه دو نالد ترامپ در مورد، بگونه کلی از نوع دیگر بود. اوباما چنین می‌پنداشت که جنگ در افغانستان بدون دورنما بوده و هزینه نمودن منابع هنگفت پولی در جنگ یادشده احمقانه می‌باشد.

با موجودیت چنین وضعیتی، ترامپ بگونه واضحی مسیر خودش را بمنظور تحکیم اقتدار دستگاه دولتی در داخل

دنبال نمود.

بگذارید از الگوی رفتاری رئیس جمهور ایالات متحده که حتی در شرایط کنونی برای بسیاری ازها قابل درک نمی باشد، یادآوری بعمل آید.

در امتداد سال ۱۳۹۸، گزارش های نخستین در مورد مناسبات و تماس های امریکایی ها با رهبری "طالب" ها بنشر رسید. علاوه بر آن، تماس های یادشده در سطوح بالا انجام پذیرفت. تکرار باید نمود که ملاقات ها و دیدار های یادشده، نه با قوماندان های محل، بلکه در سطوح رهبری انجام پذیرفت. از حضور دیپلمات های امریکایی در دفتر رسمی "طالب" ها در قطر نیز اخباری بنشر رسید که مانند بمبی منفجر گردید. ارتباطات نماینده های استخباراتی، اطلاعاتی و دیپلماتیک با دشمن، حتی برای امریکایی ها مزخرف بشمار آمده و در حلقه استخباراتی، اقدام اینچینی بمتابۀ خیانت به کشور تلقی گردید.

ترامپ، در اول امر ونخست، با تهدید طرف مقابل، وارد میدان بازی گردید، اما بنحوی اینطور نبود و تهدیدها کارساز واقع نگردیده و بویژه طی سال ۱۳۹۷، گفتگوهایی میان ایالات متحده و "طالب" ها آغاز گردید. اما به تعقیب آن، در سال ۱۳۹۸، از قطع تماس ها و توقف مذاکرات و گفتگوهای یادشده خبر دادند. اما وضعیت عمو می در داخل کشور دستخوش تحولاتی گردیده و پس از مدت زمانی مذاکرات و گفتگوهای یادشده بدون هیاهو و سروصدا از سر گرفته شد. در سال ۱۳۹۹، طرف های یادشده مؤافقتنامه صلح را امضا نموده و برپای آن مهترتا بید گذاشتند که مطابق آن، "طالب" ها بهر نوع ارتباط شان با "القاعده" باید خاتمه بخشیده که در نوع خود، عمده ترین شرطی بود که از جانب امریکایی ها مطرح گردید. "طالب" ها اصلن و در واقعیت امر، بر بیشترین بخش های کشور مسلط نمی باشند. در مقابل، ایالات متحده متعهد به فراخواندن بخشی از نظامیان آن کشور از افغانستان گردیده و در وضعیت کنونی، تعداد آنها را بحد اقل رسانیده، بخشی از پایگاه های نظامی شان را بجانب دولت افغانستان واگذار نموده و به رفع تعزیرات وضع شده علیه "طالب" ها نیز مبادرت ورزید و در جهت لغو تعزیرات بین المللی نیز کمک هایش را وعده داد. در اصل، عقد قرارداد و یا توافقنامه اینچینی بیشتر بمتابۀ تعاملات بدست آمده میان امریکایی ها و "طالب" ها محسوب می گردد. چنین بنظر میرسد که اقدام فوق در وضعیت کنونی و در نوع خود بمتابۀ مین زمینی کار گذاشته شده ای در سیاست ایالات متحده در کشور ما محسوب گردیده که با تغییر رهبری سیاسی در واشنگتن منفجر خواهد گردید.

آیا بایدن و گروه کاری نامبرده نیز می خواهند بانجام کاری در کشور ما مبادرت ورزند و آیا در این عرصه قادر با اقدام عملی می باشند؟

بگمان اغلب که در اوایل امر، بایدن طرفدار فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان بود. اما در مطابقت با آخرین اطلاعات بدست آمده و خبرهای بنشر رسیده، کاخ سپید، برخی از مفاد ستراتیژی امنیت ملی ایالات متحده را اعلام نمود. سند به نشر رسیده ۲۴ صفحه یی توسط اداره جدید واشنگتن، توسل بقوه را بمنظور حل و فصل درگیری های پیش آمده، صرف زمانی مجاز می شمارد که راهها و وسایل دیگری در زمینه اصلن کار واقع نگردد. بایدن همچنان یادآور شد که "جنگ های بی پایان"، مانند جنگ در افغانستان، باید پایان داده شود. نامبرده ادامه داده افزود که به پنتاگون هدایت داده شده است تا در عوض هزینه نمودن در بخش های سیستم کهنه نظامی، در عرصه تولید سلاح های مدرن تری کاز مؤثریت بیشتری برخوردارند و بویژه در تهیه و تولید سلاح های مبارزه علیه جنگ های سیبری سرمایه گذاری صورت گیرد. وی همچنان اضافه نمود که ستراتیژی کامل امنیت ملی اداره جدید واشنگتن، بعدن ارائه خواهد گردید.

علاوه بر آن، اصل فراخواندن نظامیان یادشده، تصمیم امروزی محسوب نگردیده، بلکه موضوع فوق در امتداد سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ مطرح بحث قرارداد شده بود. سخنان بایدن در شورای روابط بین الدول (ماه جولای سال ۲۰۱۹) را بخاطر آوریم، کاز جمله اظهار نموده بود که اگر بر ضرورت اصل حضور نظامیان امریکایی در منطقه ای از جهان تأکید بعمل می آید، چنین امری صرف بمنظور تداوم مبارزه علیه تروریسم صورت خواهد گرفت.

علاوه بر آن، تعامل با نزدیکترین کشورهای همجوار افغانستان از جمله پاکستان، ایران، چین، هند و روسیه، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، چه همه ی آنها در کشور ما بگونه طبیعی در پی دستیابی بمنافع منحصر بفرد خویش میباشند. اما بایدن باین درک رسیده که ایالات متحده در افغانستان با شکست مواجه گردیده است. اما موضوع از اینقرار میباشد که (برخلاف ترامپ)، رئیس جمهور بایدن فرد مجردی نیست، بلکه بیک جمع

(تیم بایدن) ارتباط دارد. علاوه بر آن، نباید این فاکتور مهم و درخور اهمیت فراموش گردد که در کنار امریکایی ها در کشور ما، قطعات نظامی کشورهای عضو ناتو نیز حضور دارند. بخاطر باید داشت که دول یادشده، کارکرد های شان را در سرزمین کشور ما برنامه ریزی می نمایند. بهمین دلیل است که در وضعیت و شرایط حاضر، وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو در مورد فعالیت ها و نحوه عملکرد های بعدی شان در کشور ما شور و بحث نمودند. از جمله مسایل دیگر، در مورد اصل عقب نشینی نظامیان خارجی بمفهوم وسیع آن از قلمرو سرزمین کشور ما نیز به فیصله هایی نایل گردیدند.

اما قابل یاددهانی پنداشته می شود که بازنگری توافق و تعامل موجود امریکا - "طالب"، بمفهوم مذاکرات طو لانی مدت با "طالب" ها محسوب می گردد. بهمین دلیل، در مورد اتمام مؤفقا نه گفتگو های میان افغانی، قبل بر این نیرشک و تردیدهایی وجود داشت.

پس از اینهمه، چه خواهد شد و حدوث کدام حوادث اتفاقیه بعدی را باید منتظر بود؟
-- کشور آلمان، قوت های مسلح و نظامیانش را از کشور ما فرامی خواند و یا آنها همچنان بموجودیت شان در کشور ما ادامه خواهند داد؟

-- در صورت تداوم موجودیت نظامیان خارجی، موضعگیری "طالب" ها بکدام سمت و سو خواهد چرخید؟
-- "القاعده" چه خواهد کرد؟

-- بدون حمایت "طالب" ها، ائتلاف نمی تواند تروریست ها را مورد نظارت و کنترول قرار دهد.
اما در هر صورت، تصمیمگیری با ایالات متحده خواهد بود. اروپایی ها بخوبی میدانند که بدون ایالات متحده، آنها بصفر تقرب خواهند نمود. بهمین مناسبت، وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو از ایالات متحده خواستار حفظ قوت های محدود نظامی آن کشور در افغانستان می باشند.

چنین بنظرمی رسد که بایدن در صدد آن خواهد شد تا توافقنامه با "طالب" ها را با وارد نمودن تغییراتی در آن، بپذیرد یا بگونه کلی بالغای آن همت خواهد گماشت. آیا ایالات متحده در صدد تسلط بر جهان است؟ و آیا این تنها در صورت حفظ وضعیت کنونی کشور ما می تواند قابل تصور باشد؟

چنانچه تذکر بعمل آمد که در بیشترین موارد، بسیاری ها مسبب همه ی این وضعیت را، موقعیت ژئوپولیتیک کشور ما می پندارند. اما قبل از همه، چنین توصیه می گردد که دیدگاهها در مورد کشور عزیز ما افغانستان، اگر اندکی هم شده، باید دستخوش تغییر گردد. بوضعیت کنونی جهان نگاه شود. بر بنیاد وظیفه اصلی ایالات متحده، بویژه با پیروزی بایدن در انتخابات پسین ریاست جمهوری آن کشور، بازگشت به جهان یک قطبی بریاست ایالات متحده در دستور کار اداره بایدن می باشد.

بگذارید، به تشریح وضعیت بگونه نکته وار بپردازیم.
در این زمینه می توان چنین تذکر داد که در شرایط و وضعیت کنونی، درگام نخست، منافع بازیکنان سه گانه ای باهم گره خورده است. روسیه و چین بگونه طبیعی در منطقه وجود دارند و اما ایالات متحده، عاشق پرو پا قرص منابع طبیعی و معدنی و دستیابی به مسیرهای تجاری می باشد تا بدون معضله و مشکلی، به سودهای کلانی دست یابد. اما آنها در میدان بازی در برابر روسیه و چین قادر به مقاومت و پایداری نمی باشند، بهمین دلیل است که در نتیجه، امریکایی ها دست بدامان هند شدند.

متذکر باید شد که اتحاد هند و امریکا با اتحاد پاکستان و چین از توازن معینی برخوردار می باشد. این یک جانب قضیه و اما روسیه و سوریه در جانب دیگر قضایا عملن وجود دارند. روسیه در کشور سوریه، توسط عراق که تحت تسلط ایالات متحده است، مهار می شود. عراق تحت فشارهای فزاینده ایران، خودش به تنهایی وارد میدان بازی می گردد، و اما در مورد کشور ترکیه بایست یادآور شد که اردوغان بمثابه بازیکن مستقلی عرض اندام نموده و مانند قبل، نظامیان پاکستان هم بصورت دوامداری بویژه در مناطق و محلات جنوبی کشور ما بگونه بیشرمانه ای مداخله می نماید.

در این مقطع پرسشی بمیان می آید که چرا امریکایی ها بگونه ساده به ترک کشور ما متوسل نمی گردند؟ پاسخ به پرسش فوق ساده و بسیط میباشد و آن اینکه ایالات متحده نمی خواهد بانجام اقدامی مبادرت ورزد که توازن موجود قوا بر هم زده شود. بگمان اغلب که با خروج کامل نظامیان ایالات متحده از اراضی کشور ما، این پاکستان است که در امور و مسایل مربوط به کشور ما از دست بالایی برخوردار خواهد گردید. همچنان اسلام آباد قادر خواهد شد تا بیشترین نیروهایش را در سرحد هند و پاکستان جابجا نماید.

وضعیت اینچنینی، بگونه ای سبب پیدایش پرسش هایی میان دوستان امریکایی در دهلی جدید گردید. چرا چنین دوستی، در صورتی که هند ضرورت تحکیم مرزهایش با پاکستان را احساس نماید، مطرح بحث قرار می گیرد؟ آیا برگشت به روابط همسایگی نیک با چین و از اینرو با پاکستان ساده و سهل تصور می گردد؟ حتا پیام های دولت افغانستان که حاوی ارائه کمکهای همه جانبه با هند و تضمین هایی از جانب ایالات متحده می باشد، نمی تواند شک و تردید هندی ها را برطرف نماید.

شهروندان کشور عزیز ما می پرسند که آیا ایجاد و استقرار صلح و آرامش سراسری در افغانستان متصور می باشد؟

با کمال تأسف باید اظهار نمود که شهروندان رنج دیده کشور ما، در این نزدیکی ها شاهد صلح سراسری و استفاده از فرصت های زندگی آرام و مبرا از جنگ و درگیری ها نخواهند بود.

جغرافیا و بگونه مشخص موقعیت جغرافیایی کشور ما، بگونه مشخص و متبازری بدشمن صلح و ایجاد رقابت ها در منطقه ما مبدل گردیده است. ضد و نقیض گویی های دول کشورهای منطقه ما، سبب سازی ثباتی اوضاع در داخل کشور ما گردید. اکنون بوضاحت کامل، امیدواری ها بمنظور اعاده صلح و امنیت در کشور ما در نتیجه عملکردهای دشمنان صلح و سلم، در مقابل چشمان ما ذوب می گردند.

آیا با قرار گرفتن باین در رأس اداره و اشنگتن، اصل عقب نشینی نظامیان امریکایی از سرزمین کشور ما مورد سؤال قرار گرفته است؟

مدتی قبل، اخبار ای. بی. سی، مطالبی را بنشر سپرد که در بخشی از آن آمده است که جو باین یادآور شده است که نظامیان امریکایی می توانند بمنظور مبارزه با تروریسم و دفاع از دولت افغانستان، بموجودیت و حضورشان در اراضی مربوط به افغانستان همچنان ادامه دهند.

اداره باین مورد توضیح داد که علی رغم توافق حاصل شده با "طالب" ها و بمنظور ارائه کمک بدولت افغانستان و تداوم مبارزه علیه تروریسم، نظامیان امریکایی همچنان بموجودیت شان در سرزمین افغان ها ادامه خواهند داد. قبل براین، اداره ترامپ خروج کامل نظامیان امریکایی از افغانستان را الی ماه می سال روان وعده سپرده بود.

در مقابل، "طالب" ها هشدار داده اند که در صورت نقض تعاملاتی که امریکا با آنها بسته، به سازماندهی و انجام حملات علیه نظامیان امریکایی مبادرت خواهند ورزید. باین همچنان افزود که بمنظور تداوم مبارزه ضد تروریستی و کمک بدولت افغانستان و جلوگیری از حملات جدید "طالب" ها، موجودیت و حضور نظامیان کشورش در افغانستان لازمی پنداشته می شود. اما این مسأله اصلن توضیح داده نشده که ایالات متحده در چه شرایطی و بادر نظر داشت کدام اهداف نهایی و برای چه مدت زمانی باین درگیری ادامه خواهد داد. اینک ۲۰ سال از جنگ و درگیری های نظامی و حضور گسترده ایالات متحده در کشور ما سپری می گردد.

مطابق اطلاعات داده شده سایت های خبری، در دوره حاکمیت اداره ترامپ، حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان بحداقل تنزیل داده شد و اما پنتاگون این امر را بمثابه "عامل محدود کننده" در چگونگی انجام مأموریت هایش می پندارد.

ملاقات و گفتگوهای صلح ایالات متحده با "طالب" ها که در امتداد سال پار انجام پذیرفت، اکنون توسط اداره باین مورد بازنگری قرار داده خواهد شد. مذاکرات و گفتگوهای صلح "طالب" ها و دولت افغانستان بدون نتیجه به پایان رسیده و به عمرش بدون بجا ماندن نشانی، پایان بخشید.

یکشنبه ۱۷ ماه حوت سال ۱۳۹۹ خورشیدی